



آیت الله جوادی آملی: ضیافت الله، لقاء الله را به دنبال دارد/شرح دعای وداع با ماه رمضان

آیت الله جوادی آملی نوشت: اینکه در آخر ماه رمضان عید فطر می‌گیرند چون در حقیقت محصول ماه رمضان است. ضیافت الله، لقاء الله را به دنبال دارد. پس عظمت از آن ماه شوال نیست؛ بلکه از ماه رمضان است.

آیت الله جوادی آملی نوشت: اینکه در آخر ماه رمضان عید فطر می‌گیرند چون در حقیقت محصول ماه رمضان است. ضیافت الله، لقاء الله را به دنبال دارد. پس عظمت از آن ماه شوال نیست؛ بلکه از ماه رمضان است. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در فرازی از کتاب حکمت عبادات، به شرح دعای امام سجاد(ع) در صحیفه سجادیه با موضوع وداع با ماه مبارک رمضان پرداخته است که به مناسبت همین ایام فرازهایی از این کتاب ارزشمند در اختیار علاقه مندان قرار می‌گیرد.

آیت جوادی آملی می‌نویسد امام سجاد (ع) ماه مبارک رمضان را عید اولیاء الله می‌داند. در صحیفه سجادیه دعایی درباره مقام دعا و وداع ماه مبارک رمضان وجود دارد که در مقدمه این دعا حضرت کلیات نعمتهای الهی را می‌شمارد و اینکه بخششهای خدای سبحان ابتدایی است، نه از روی استحقاق. بعد از آن مقدمه می‌فرماید: یکی از بهترین بخششهای خداوند سبحان، ماه مبارک رمضان و روزه این ماه است. [۱] شاعر می‌گوید: عارفان هر دمی دو عید کنند *** عنکبوتان مگس قدید کنند [۲].

کار عنکبوت آن است که بتند و با این تارها مگس را صید کرده قدید و قورمه درست کند. او کارش غیر از ذخیره کردن چیز دیگری نیست؛ اما عارف در هر دم و هر نفس دو عید دارد که سعدی گفت: «هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون بر می‌آید مفرح ذات؛ پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب».

لذا عارف در هر دم دو عید دارد و بهترین دمی که انسان دارد در ماه مبارک رمضان است که «أنفاسکم فیه تسبیح» نفس کشیدن در این ماه «سَبَّوحٌ قُدُّوسٌ» گفتنی است. این که در آخر ماه مبارک رمضان عید فطر می‌گیرند، چون جایزه‌های یک ماه را به ما می‌دهند، که در حقیقت محصول ماه مبارک رمضان است. ضیافته الله، لقاء الله را به دنبال دارد. پس عظمت از آن ماه شوال نیست؛ بلکه عظمت از آن ماه مبارک رمضان است که نتیجه یک ماهه را در روز عید می‌دهند. روز عید است و من مانده در این تدبیرم / که دهم حاصل سی‌روزه و ساغر گیرم

امام سجاد(ع) ابتدا اشاره به نعمتهای پروردگار کرده به خدا عرض می‌کند: «وَأَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَائِهَا تِلْكَ الْوُضَائِفِ وَخَصَائِصِ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ ... وَقَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرَ مَقَامَ حَمْدٍ وَصَحْبِنَا صَحْبَةَ مَبْرُورٍ» [۳] خدایا نعمتهای فراوانی به ما دادی. یکی از برجسته‌ترین نعمتها، ماه رمضان و یکی از بهترین فضیلتها روزه این ماه است که نصیب ما کردی؛ و هیچ زمانی، به عظمت زمان ماه مبارک رمضان نیست.

گذشته از آنکه شب قدر را در آن قرار دادی، این ماه را ظرف نزول قرآن کریم قرار دادی که چنین فیضی در این ماه نازل شده است. اگر کسی با قرآن باشد همراه قرآن بالا می‌رود و این را بر ملت مسلمان مت نهادی؛ زیرا ملتهای دیگر در ماه رمضان روزه نمی‌گیرند و این نعمت را مخصوص مسلمانان نمودی

وداع برای کسی است، که با ماه مبارک رمضان مأنوس بوده و این ماه دوست او باشد وگرنه آن کس که با این ماه نبوده، ودعای ندارد. انسان از دوستش و یا کسی که مدتی با او مأنوس بوده خدا حافظی می‌کند. کسی که اصلاً نمی‌داند چه وقت ماه مبارک رمضان آمد و چه وقت سپری شد، چرا آمد و چرا سپری شد وداعی ندارد

امام سجاد(ع) آخر ماه مبارک رمضان که می‌شد، با سوز و گداز این دعا را می‌خواند و می‌فرمود: ماه رمضان در بین ما اقامت داشت و جای حمد و ثنا بود؛ زیرا به همراه خود رحمت آورد و رفیق بسیار خوبی برای ما بود. ما در صحبت و همراهی با او به فضایل و نعمتهایی رسیدیم. دوستی بود که به همراهش رحمت و مغفرت و برکت آورد. رسول خدا(ص) نیز در خطبه شعبانیه فرمود: «قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبِرَّةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفَرَةِ»، یعنی این ماه، برکت و رحمت و مغفرت می‌آورد، کسی که رفیق این ماه بوده و باشد، برکت و رحمت و مغفرت این ماه را هم دریافت می‌کند.

بهترین استفاده از ماه خدا

سپس فرمود: «وَأَرْبَحُنَا أَفْضَلُ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ». ما ربح و سودی که در این ماه بردیم، هیچ تاجری در هیچ گوشه دنیا نبرده و هیچ کس در سراسر عالم به اندازه ما از این ماه استفاده نکرده است. انسان مسافری است که سفر ابد در پیش دارد. ره‌توشه آن سفر ابد را باید همین چند روزه تهیه کند. در این ماه درهای آسمان بر روی مؤمن باز می‌شود، و مؤمن می‌تواند با وارستگی، به باطن عالم راه پیدا کند و اگر بهترین فرصت، ماه مبارک رمضان است، پس بهترین سود را ماه رمضان و اهلش دارند.

برای گروهی آغاز سال، اول فروردین است. یک نوجوان اول فروردین تلاش می‌کند برای خود لباس نو تهیه کند. درختها اول سالشان فروردین است که لباسهای نو و تازه دربر می‌کنند. اول سال کشاورز پاییز است که درآمد مزرعه را حساب می‌کند. تاجر و صنعتگر، هر کدام فرصت دیگری را به عنوان اول سال تعیین می‌کنند، مرحوم سید بن طاووس می‌گوید: اهل سیر و سلوک، اول سالشان، ماه رمضان است. [۴] حسابها را از ماه مبارک، تا ماه مبارک بعد بررسی می‌کنند؛ که ماه مبارک رمضان گذشته چه

درجه‌ای داشته و امسال در چه درجه‌ای هستند. چقدر مطلب فهمیده و چه مسئله‌های برای آنها حل شده است. چقدر در برابر گناه قدرت تمکن داشته و چقدر در برابر دشمن قدرت تصمیم دارد. ماه مبارک رمضان برای سالکان الی الله، ماه محاسبه است. از این رو امام سجاد (علیه‌السلام) فرمود: هیچ کسی در سراسر جهان به اندازه ما در این ماه استفاده نکرد.

ناله از فراق و جدایی

در ادامه دعا فرمود: «ثم قد فارقنا عند تمام وقته وانقطاع مدته ووفاء عهده [عدوه] ونحن مُودَعوه». این ماه بعد از آنکه پایانش فرا رسید، از ما مفارقت و هجرت کرد و ما را تنها گذاشت. و ما هم اکنون با ماه خدا وداع می‌کنیم. «وداع مَنْ عَزَّ فراقه علينا» چه وداعی؟ وداع تشریفاتی؟ نه؛ وداع با دوست عزیزی که مفارقتش برای ما توانفرساست؛ آن کس که اهل معنا بود خیرش در این ماه بیشتر شد و آن کس که گرفتار گناه بود از گناهش کاسته شد. ما کسی را وداع می‌کنیم که رفتنش برای ما بسیار گران و سخت است و ما را غمگین می‌کند، ماهی که شب و روزش رحمت بود. بزرگان فقه ما نظیر مرحوم صاحب جواهر الکلام (ره) فرموده‌اند: در فضیلت روزه‌گرفتن همین بس که انسان از نظر ترک بسیاری از کارها، شبیه فرشته می‌شود. به همان اندازه که انسان از فکر شکم رها شود به فرشته شدن نزدیک می‌گردد [۵]

گفته‌اند: پس از عید فطر، شش روز از اوایل ماه شوال را به عنوان بدرقه، روزه بگیرید؛ زیرا اگر کسی دوست عزیزی را بخواهد بدرقه کند، چند قدم به همراه او می‌رود. امام سجاد (ع) فرمود: «وَأَوْحِشْنَا انصرافه عتاً» و از اینکه منصرف شد و از ما فاصله گرفت، ما را به وحشت انداخت. ما دوست مهربان و پربرکتی را از دست می‌دهیم، لذا به وحشت می‌افتیم. از این رو بود که آخر ماه مبارک رمضان که می‌شد، اولیای خدا احساس غربت می‌کردند.

«ولزمنّا له الذمّام المحفوظ والحُرمة المرعية والحق المقضى». ما باید حقی که او بر عهده ما دارد رعایت کرده حرمتی که در پیش ما دارد ارج بهیم. باید به تعهدی که بین ما و اوست وفا کنیم. فنحن قائلون السلام عليك يا شهر الله الأكبر ویا عید اولیائِه» آنگاه چون این دوست عزیز از ما جدا می‌شود ما چنین می‌گوییم: سلام بر تو ای بزرگترین ماه که به خدا انتساب داری. و سلام بر تو ای عید اولیای الهی. این سلام، سلام تودیع است.

«السلام عليك يا أكرم مصحوبٍ من الأوقات ویا خیر شهر فی الأيام والساعات» امام سجاد (ع) چندین بار به این ماه سلام می‌کند. ماه رمضان اگر زمانی گذارا بود و باطن و سرّ و حقیقت و روح نداشت، ولی الله به او سلام نمی‌کرد. این گفته‌های معرفتی - معاذالله - نظیر اشعار خیالی شعرا نیست که بر خطابه‌های خیالی حمل شود که مثلاً به کوه و یا آثار مخروبه خطاب می‌کنند. بیان حضرت این است که ما خیلی دوست و رفیق، داشته و داریم؛ اما هیچ دوستی به عظمت این ماه نبوده. ماهی که نه هیچ روزی مثل روزهای آن و نه شبی چون شبهای آن بود.

رمضان و آموزش دعا

«السلام عليك من شهر قربت فيه الآمال ونشرت فيه الأعمال» سلام ما بر تو ای ماهی که آرزوها در این ماه نزدیک شد و ما فهمیدیم که چه بخواهیم لذا آرزوهای طولانی نمی‌طلبیم، ماهی که در آن بر آمدن آرزوهای مشروع نزدیک شد. در دعای سحر ماه مبارک رمضان نیز از امام سجاد (ع) رسیده است، که: خدایا آنها که تو را نمی‌شناسند و عبادت نمی‌کنند، روزی می‌دهی، مار و عقربها روزی خور خدا هستند، پس حیف است که انسان تمام حاجتها را در محور ماده و مادیات خلاصه کند. خداوند همه کفار و منافقین را در عالم، تأمین می‌کند، پس آیا صحیح است انسان تلاش و کوشش خود را بر این صرف ند که از خدا طبیعت و دنیا بطلبد؟ از این روست که امام می‌فرماید: سلام بر ماهی که فهمیدیم در آن از خدا چه بخواهیم. آرزوهای طولانی نداشته باشیم؛ بلکه چیزی بخواهیم که برای ما بماند.

هنگامی که مسلمانان عازم مهاجرت به مدینه بودند کفار مکه به آنان اجازه ندادند اموالشان را هم منتقل کنند یا بفروشند. می‌گفتند اگر می‌خواهید به مکه بروید باید دست خالی سفر کنید. آنگاه این آیه نازل شد: كَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رَزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ [۶] چه بسا جاندارانی که نمی‌توانند متحمل روزی خود شوند. خداست که آنها و شما را روزی می‌دهد.

مسلمین از مکه به مدینه هجرت کردند و گفتند: ما روزی خود را با خود حمل نمی‌کنیم؛ بالاخره خدای مکه، خدای مدینه هم هست. آن کسی که ما را در مکه اداره می‌کند، در مدینه هم اداره می‌کند. دست خالی به سوی مدینه حرکت کرده و «مهاجر» نامیده شدند؛ خدا هم آنان را تأمین کرد. این چنین نیست که اگر انسان روح بلند نداشته باشد به او خوش بگذرد و یا اگر روح بلند و عظیم دات در جهان تلخ کام باشد. فرمود: ما در این ماه فهمیدیم از خدا چه بخواهیم؛ جلو آرزوهایمان را گرفتیم و به عبادت پرداختیم.

وداع با صفای باطن و نشاط

«السلام عليك من قرينٍ جلّ قدره موجوداً وأفجع فقده مفقوداً» سلام بر تو ای نزدیکی که وقتی بودی گرامی بودی و حال که در آستانه رفتن هستی، رفتنت فاجعه است و ما را غمگین می‌کند. همچون کسی که عضو خانواده‌اش را از دست می‌دهد. «ومرجو ألم فراقه» سلام بر توای تکیه‌گاه امید، که در هنگام مفارقت، ما را متألم و رنجور کردی. آن ماه که در جان انسان رسوخ داشت، وقتی از جان فاصله می‌گیرد، جایش را غم پر می‌کند؛ زیرا از آن صفای ضمیر دیگر خبری نیست و آن نشاطی را که انسان در ماه مبارک رمضان برای نثار و ایثار دارد، در غیر این ماه ندارد. اگر انسان در این ضیافت حق از خدا غنا و بی‌نیازی طلب کند، چیزی او را متوجه و مشغول نمی‌کند، نه از کسی می‌ترسد و نه از بذل جان دریغ می‌کند. «السلام عليك من أليف أنسٍ مُقبلاً فسرّ

وَأَوْحَشْ مَنْقُضِيَّ قَدْ مَضَى» سلام بر تو ای دوست با الفت که وقتی آمدی ما را مسرور، و وقتی رفتی ما را گداختی و داغ زد. [۷] این حرف انسانی است که با باطن روزه این ماه و با باطن ليله قدر در تماس بوده است.

دل‌های رقیق و اندیشه‌های زلال

باز فرمود: «السلام عليك من مجاور رقت فيه القلوب وقلت فيه الذنوب» سلام بر تو ای همسایه عزیز که ما در جوار رحمت تو بودیم. تو همسایه‌ای بودی که در این مدت در اثر حسن همجواری با تو دل‌ها رقیق و گناهان کم شد. آری، انجم مکروهات و گناهان کوچک، کم‌کم راه انسان را می‌بندد. مناطق ییلاقی و سرزمینهای سبز و خرم، دارای آبی زلال است که وقتی از چشمه می‌جوشد، راه خود را باز می‌کند و راه کسی را هم نمی‌بندد و همه درختان و گیاهان تشنه سر راه را هم سیراب می‌کند. این خاصیت آب زلال است که به دنبال تشنه می‌رود. سرش را به سنگ می‌زند و تلاش و کوشش می‌کند که خود را به تشنه‌های برساند و آنها را سیراب کند، اما اگر این آب، دارای املاح و رسوبی باشد، همین که می‌جوشد، راه خود را می‌بندد. بعد از چند سال در آن مزرع، تلی از سنگ پیدا شده و همه آن سرزمینهای سبز، خشک می‌شود و چیزی در آن نمی‌روید.

افکار و اندیشه‌ها هم چنین است. اگر زلال باشد از جان می‌جوشد، با زبان و قلم منتشر می‌شود، به گوش و چشم می‌رسد و از آنجا در دل‌های دیگران جاری می‌گردد. لذا یکی از القاب عالم «ماس معین» است که اصل آن درباره حضرت ولی‌عصر(عج) گفته شده است [۸].

قرآن کریم می‌فرماید: قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْحَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ [۹] بگو خبر دهید اگر آب [آشامیدنی] شما به زمین فرو رود، پس کیست که به شما آبی روان دهد. ماء معین یعنی آب جاری؛ آبی که دیده می‌شود. عالم را ماء معین می‌گویند، چون مانند چشمه زلال می‌جوشد. حرفی که می‌زند، چیزی که می‌نویسد، علمی است که از جان او تراوش کرده و به گوش و چشم انسان رسیده و او می‌فهمد، و به دیگری می‌گوید، دیگری هم می‌فهمد و به بعدی می‌گوید؛ مانند چشمه زلالی که سرانجام به اهلش می‌رسد.

اما افکار و اندیشه‌ها و خیالات باطل، مانند همان رسوبات و املاح معدنی، راه قلب را می‌بندند؛ کم‌کم دل، قستی، سخت و مسدود می‌گردد. نه چیزی از آنجا به دیگران سرایت می‌کند و نه حرف دیگران به آنجا می‌رسد؛ نه حرف او در غیر مؤثر است و نه حرف غیر در او اثر می‌بخشد. امام سجاد(ع) فرمود: دل‌ها در این ماه نرم و رقیق و گناهان در این ماه کم است.

ماه تسلط بر شیطان

«السلام عليك من ناصر أعان على الشيطان وصاحب سهل سبّل الإحسان» سلام بر تو ای رفیقی که کم کردی تا ما بر شیطان مسلط شدیم. به راستی انسان در این ماه بر شیطان مسلط می‌شود و به خاطرات شیطانی گوش فرا نمی‌دهد. تو برای ما مصاحب خوبی بودی، که ما توانستیم بر شیطان پیروز شویم. ما نه تنهادر بُعد سلبی از دست شیطان نجات پیدا کردیم و کار بد نکردیم، بلکه در بُعد اثباتی هم پیروز شدیم و راههای خیر را به خوبی و آسانی طی کردیم. اگر در غیر ماه مبارک رمضان، کار خیر را به سختی انجام می‌دادیم، در این ماه به آسانی انجام دادیم. تو باعث شدی که ما راه احسان را با سهولت طی کردیم.

آزادی از بند شهوات و تأمین سعادت

در ادامه فرمود: «السلام عليك ما أكثر عتقاء الله فيك». سلام بر تو ای ماه، چه بسیار بندهایی را که خدا در زمان تو آزاد کرده است. خدا آنان را که گرفتار آتش و رذایل اخلاقی بودند، از این بندها آزاد کرده و چه نعمتی بهتر از آزادی است؟ امام صادق (علیه السلام) در بیان صفات انسان دیندار فرمود: «ورفض الشهوات فصار حرّاً». [۱۰] او شهوت و بی‌بند و باری را ترک می‌کند در نتیجه آزاد می‌گردد. نعمتی بالاتر از آزادی و آزادگی نیست، که انسان گرفتار شهوت و غضب و برده هوی نباشد و زمامش را به دست هوس نسپارد. «وما أسعد من رعي حرمتك بك» چقدر سعادت‌مند شد کسی که احترام تو را حفظ کرد و مواظب بود تا در این ماه حرف بد نزند، خیال و گناه بد نکند.

«السلام عليك ما كان أمحاك للذنوب وأسترک لأنواع العيوب» سلام بر تو ای حقیقت ماه مبارک رمضان که محو کننده گناه هستی. عیب را می‌پوشانی و گناه را محو می‌کنی. اول پوشاندن و ستر، و بعد مغفرت است. ابتدا خدای سبحان می‌پوشاند که آبروی انسان محفوظ بماند، سپس می‌بخشد، ستار بودن زمینه مغفرت غفار را فراهم می‌کند. چقدر خوب است انسان تا می‌تواند، آبروی دیگران را حفظ کند، خدا هم آبروی او را حفظ می‌کند.

«السلام عليك ما كان أطولك على المجرمين» سلام بر تو ای ماه مبارک رمضان که برای افراد تبهکار، بسیار طولانی هستی. ماه رمضان برای چنین افرادی حکم چندین ماه را دارد «و أهيبك في صدور المؤمنين» ماه مبارک رمضان، در دل‌های مؤمنان با نوعی هیبت و جلال و هیمنه و شکوه، تلقی می‌شود.

رقابت با سایر ماه‌ها

در ادامه وداع فرمود: «السلام عليك من شهر لا تنافسه الأيام» سلام بر تو ای ماهی که هیچ ماهی با تو توان مسابقه و رقابت ندارد. وقتی انسان می‌دود و مسابقه می‌دهد، نفس نفس می‌زند تا به مقصد برسد. خدای سبحان هم فرمود: برای گفتن فضایل، منافسه (مسابقه) بدهید. وفي ذلك فليتنافس المتنافسون [۱۱] شما هم نفس نفس بزنید تا آن مقام نفیس و ارزنده را بگیرید. فرمود: هیچ ماه و ایام ویلایی و لحظاتی با تو منافسه و رقابت نمی‌کند. تو پیشگامی و همه یازده ماه به دنبال تو هستند. چنین نیست که انسان بگوید در ماه مبارک رمضان، حرف‌ها را می‌شنوم و بعداً عمل می‌کنم. اگر فعلاً عمل نشود، بعداً هم عمل نخواهد شد؛ چون زمانهای دیگر، آن قدر را ندارند که با ماه مبارک رمضان، در کسب و تأمین توفیق انسان، رقابت کنند.

تطهیر و تغسیل نه خستگی و رنج

«السلام علیک غیر المصاحبة ولا ذمیم الملابسة» سلام بر تو، در این مدتی که مهمان ما بودی، یا ما در خدمت تو بودیم، هیچ رنجی ندیدیم. از مصاحبت با شما خسته نشدیم. در حضور تو لذت بردیم و تو مهمان خوبی برای ما بودی. «السلام علیک کما وفدت علينا بالبرکات وغسلت عتا دنس الخطیئات» سلام بر تو، ای ماه گرامی رمضان که برکت آوردی، ما را شستشو دادی و رفتی. اگر بعدها آلوده شدیم، به دست خود آلوده شده‌ایم و گرنه تو ما را تطهیر کردی و اکنون احساس سبکی می‌کنیم. «السلام علیک غیر مودع برماً ولا متروک صیامه سئماً» سلام بر تو که پس از یک ماه مهمانی در هنگام تودیع، ما احساس خستگی نکردیم. انسان وقتی مهمان را برای مدتی مدید و با تشریفات پذیرایی می‌کند خود در این مدت خسته می‌شود؛ اما حضرت می‌فرماید: از پذیرایی طولانی و روزه گرفتن، هرگز خسته نشدیم و رنجی احساس نکردیم؛ بلکه برای ما گوارا بود.

وداعهای آخرین

«السلام علیک من مطلوب قبل وقته ومخزون علیه قبل قوته» سر بر تو، که قبل از آمدن انتظارت را داشتیم، هم اکنون نیز که می‌خواهی بروی ما را غمگین کرده‌ای. «السلام علیک کم من سوء صرف بک عتا وکم من خیر أفیض بک علينا» سلام بر مهمان گرانقدری که به برکت تو خدا بسیاری از بلاها را از ما برداشت و بسیاری از برکات را به ما عطا کرد. در حقیقت ما مهمان تو بودیم نه تو مهمان ما. «السلام علیک وعلى ليلة القدر التي هي خير من ألف شهر». (این سلام تودیع است). سلام بر تو ای ماه، سلام بر تو و ليلة القدر تو، آن شبی که از هزارماه، تقریباً هشتاد سال، بالاتر است.

«السلام علیک ما کان أحرصنا بالأمس علیک وأشد شوقنا غداً إلیک». سلام بر تو ای ماهی که دیروز حریص بودیم که بیایی. و فردا هم بسیار مشتاقیم که تو را زیارت کنیم. این مراسم تودیع را تنها به عنوان ادای وظیفه، انجام نمی‌دهیم. «السلام علیک وعلى فضلک الذی حرمناه وعلى ماض من برکاتک سلبناه». سلام بر تو و فضیلت تو، سلام بر تو و برکات تو که دریغا امروز از آن فضیلت محروم شدیم. آنگاه حضرت در ادامه به خدا عرض می‌کند: «اللهم إنا أهل هذا الشهر ألى شرفتنا به ووفقتنا بمتک له حين جهل الأشقیاء وقته وحرّموا لشقائقهم فضله» خدایا تو آن توفیق را دادی که ما اهل این ماه باشیم در حالی که عده‌ای از فضیلت این ماه محروم شدند. و منشأ حرمان آنها نیز شقاوتشان بود که به سوء اختیار خودشان فراهیم شد.

«أنت ولی ما آثرتنا به من معرفته وهدیتنا له من ستته». پروردگارا تو مولی و سرپرست مایی در آنچه ما را به شناخت آن برگزیده‌ای و راهنمایی کردی که روش آن را طی کنیم. «وقد تولینا بتوفیقک صیامه وقیامه على تقصیر وأدینا فیه قليلاً من کثیر». و در پرتو توفیق تو به روزه و نماز آن با اعتراف به تقصیر نایل آمدیم و اندکی از وظایف بسیار را ادا کردیم. «اللهم فلك الحمد إقراراً بالإسائة واعترافاً بالإضاعة ولك من قلوبنا عقد الندم ومن ألسنتنا صدق الاعتذار». پروردگارا تو را در حالی ستایش می‌کنیم که، به بد رفتاری خود اقرار و به ضایع نمودن نعمت احکام تو و عمر خویش اعتراف داریم. و برای توسل، از ناحیه دلهای ما پیمان پشیمانی و از ناحیه زبان، پوزش طلبی صادقانه.

«فأجرنا على ما أصابنا فیه من التفريط أجراً نستدرک به الفضل المرغوب فیه ونعتاض به من أنواع الذخر المحروص علیه». پس اجر مصیبت بر تفریط در این ماه را چیزی قرار ده تا به وسیله آن فضیلتی را که مورد رغبت است، نایل شویم و عوض خیری را که از آن ممدوح است برسیم. وأوجب لنا عذرک على ما قصرنا فیه من حقک». پذیرش پوزش را برای ما مقرر نما تا حق تقصیر شده تو بخشوده شود. چه اینکه خود، در قرآن کریم فرمود: کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ [۱۲] خدای سبحان رحمت را بر خویش واجب کرده است.

«وأبلغ بأعمارنا ما بین أیدینا من شهر رمضان المّقبل فإذا بلغتناه فأعتنا على تناول ما أنت أهله من العبادة وأدنا إلى القيام بما يستحقه من الطاعة». و عمر ما را تا ماه مبارک آینده طولانی بفرما و هنگامی که ما را به سال آینده رساندی کمک کن تا آنچه در خور توسط عبادت کرده و آنچه سزاوار توسل طاعت کنیم.

«وأجر لنا من صالح العمل ما یکون درکاً لحقک فی الشهرین من شهر الدّهر». و توفیق انجام کار نیک را به طور جاری و مستمر بهره ما فرما، تا آنچه حق و شایسته مقام توسل در تمام ماه مبارک رمضان در مدت عمر ما پیش می‌آید جبران شود. «واجبر مصیبتنا بشهرنا وبارک لنا فی یوم عیدنا وفطرنا»

پروردگارا هجران ماه مبارک را که مصیبت ماست برای ما در روز عید فطر بابرکت جبران فرما. هر پاداشی که به افراد شایسته و واجب شرایط این ماه مرحمت می‌کنی به ما نیز لطف فرما؛ زیرا فضل تو تمام شدنی نیست؛ بلکه همواره جوشان است. ثواب همه کسانی که تا قیامت در این ماه روزه می‌گیرند یا عبادت می‌کنند، برای ما نیز مقدر فرما.

منع: حکمت عبادات، آنت الله حماده، آمل، ص ۱۶۶-۱۸۰

پاورقی:

- [۱] - صحیفه سجادیه، دعای ۴۵.
- [۲] - دیوان سنایی غزنوی. («قدید» گوشت مانده و خشک را گویند).
- [۳] - صحیفه سجادیه، دعای ۴۵.
- [۴] - إقبال الأعمال، ص ۲۵۰.
- [۵] - جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۸۱.

- [۶] - سورة عنكبوت، آية ۶۰.
- [۷] - «مض» درد گدازنده را گویند. همچون رنجش از گداختگی آهن سرخ شده‌ای که به انسان اصابت کند.
- [۸] - الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹، ح ۱۴.
- [۹] - سورة ملک، آية ۳۰.
- [۱۰] - امالی شیخ مفید، ص ۶۴، مجلس ۶، ح ۱۴.
- [۱۱] - سورة مطفین، آية ۲۶.
- [۱۲] - سورة انعام، آية ۵۴.